اصلاحات و اصلاح طلبی انقلابی و آمریکایی
«از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله)»

دفاع از حکومت و اصلاح آن، وظیفهٔ روحانیت

دفاع از حکومت و اصلاح آن، وظیفهٔ روحانیت

نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. آن دو مفهوم غلط، حقیقتاً انحراف و خصمانه است؛ به دلیل این‌که اوّلاً حکومت آخوندی و نسبت دادن جمهوری اسلامی به این مفهوم، حرف دروغی است. جمهوری اسلامی حکومت ارزشهاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای این‌که کسی سلطهٔ حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومتهای روحانی‌ای که در دنیا می‌شناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است. ممکن است یک روحانی ارزشهایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانیها برتر باشد؛ او مقدّم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمی‌شود که از کسی سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت‌آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است. حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعهٔ خاص. تقسیم روحانی به حکومتی و غیرحکومتی و ارزش و ضدارزش قلمداد کردن اینها هم یک غلط فاحش است. رفتن به سمت حکومت و رفتن به سمت هر چیزی غیراز حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ اگر برای هوای نفس شد، بد است؛ مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. ما به سمت هر هدفی حرکت کنیم که مقصودمان هوای نفس باشد، مقصودمان منافع شخصی باشد، این ضدارزش است؛ این همان مصداق دخول در دنیاست که فرمود: «الفقهاء امناء الرّسل ما لم یدخلوا فی الدّنیا»؛ این مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. اگر هدف، دنیاست، مردود است؛ حکومت و غیرحکومت ندارد. اما اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیتهای سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است. اگر روحانیِ حکومتی به آن کسی گفته می‌شود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت می‌کند یا از مسئولان حمایت می‌کند، این ارزش است، این ضدارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضدارزش است. پس هیچ‌کدام از این دو مفهوم- نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی- مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه‌آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست.[۲۰۳]

اصلاح نفس، لازمهٔ شئون روحانیت

در همهٔ شئون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملبّسان به این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسئولیت را حس کنیم. قدم اوّل این است که ما احساس بکنیم مسئولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین(علیه‌الصلاةوالسلام) فرمود: «ولکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد»؛ یعنی تلاش دائم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفّت و سِداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقهٔ معوج- اگر خدای نکرده در ما هست - و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم.[۲۰۴]

اصلاح حوزه‌ها منطبق با نیازها

امروز، انقلاب اسلامی پیروزمندی بر محور حوزهٔ علمیه به پیروزی رسیده و نظامی به وجود آمده است. حوزه، در این نظام که بیگانه نیست، بلکه از لحاظ حرمت و تأثیر واقعی و آینده‌نگری، محور و هستهٔ مرکزی است؛ در این‌که بحثی نیست. امروز، بهانه‌ها منقطع است و همه باید برای ساختن و اصلاح حوزه- و اگر این تعبیر به گوشها سنگین نیاید، بگوییم برای مدرنیزه کردن حوزه- منطبق با نیازها بکوشند. همهٔ مسئولیت دارند و تمام کسانی که می‌کنم- لشکر شما، جیش شما، همهٔ اینها با این جبهه‌ها تحصیل می‌شود؛ با این دانشگاهها و با این دانشجوهای خارجی و داخلی مملکت ما باید اداره بشود. اگر علاقه دارید شما به اسلام، علاقه دارند آن جبههٔ دیگر به اسلام، با علاقه به اسلام نمی‌شود که با هم بنشینید دعوا کنید امروز! امروز دعوا کردن انتحار است، خودکشی است. امروز اختلافاتْ خودکشی است. سلیقهٔ تو جور نمی‌آید با مثلاً حرف فلان آدم، نباید الآن اختلاف ایجاد بکنید. ما همه مسْلم هستیم و زیر بیرق اسلام همه می‌خواهیم جنگ بکنیم، همه می‌خواهیم مبارزه کنیم.[۲۰۶]

با اصلاح دانشگاهی و روحانی، جامعه اصلاح می‌شود

دو قشری که باید- جامعه را- با مساعی هم دست به هم بدهند و جامعه را اصلاح بکنند، اینها را از هم جدا کردند. دو قشری که اگر این دو قشر در مسیر صحیح باشد، تمام ملت به مسیر صحیح می‌رود. این‌طور نیست که یک قشر، مثلاً کاسب باشد، که فقط خودش اگر اصلاح بشود، صالح باشد، خودش هست و غیر نیست. دو قشری که با اصلاح این دو قشر جامعه اصلاح می شود. دو قشری که إذَا فَسَدَ العَالِمُ فَسَدَ العَالَمُ[۲۰۷] است. این «عالِم» من نیستم؛ شما هم هستید؛ همه‌مان هستیم. شما همه جزء علما هستَید، که اگر چنانچه خدای نخواسته فاسد باشید، عالَم را به فساد می‌کشید؛ و اگر صالح باشید، عالَم را به صلاح می‌کشید. صلاح و فساد یک جامعه به دست مربّیهای- آن هست- آن جامعه هست. و آن مربّیها شماهایید و قشر روحانی. آنها به یک‌جور، و شما به یک‌جور. اما دو طایفه مربّی جامعه هستند.

اگر بنا باشد که همان تربیت علمی باشد، شما یک طبیب می‌خواهید درست بکنید، نظر به این‌که این طبیب چه جور باشد، نیست؛ این طبیب فردا می‌شود یک کاسب! یک کاسبی که این‌طور کسب [کند] که یک مریض را معطّل می‌کند برای این‌که ویزیت را زیاد بکند! خیلی طبیب خوبی درست شد، از حیث طب بسیار متخصص بود، اما چون اخلاق، اخلاق صحیح نبود، مهذّب نشده بود، متّقی نبود، خداشناس نبود، این طبیب مریض را معطّل می‌کند؛ امروز یک نسخه‌ای می دهد، با دواخانه هم می‌سازد که نسخه را هرچه گران‌تر بدهد، این بیچاره را مبتلا می‌کند؛ این نسخه فایده نکرد، فردا یک نسخهٔ دیگر! باز همین، باز همین. طبیب، خوب طبیبی بود، یعنی مِن حیث طبابت. یک مهندس درست می‌کنید؛ مهندس در علم خودش خیلی خوب بود، اما وقتی که می‌خواهد فرض کنید که یک نقشه‌ای بدهد، یک [طرحی] بدهد، با آن استادیهایی که دارد، جوری می‌دهد که مفید و صحیح نباشد و منفعت طلبی باشد. و هکذا همه چیز. در قشر ما هم اگر بنا باشد که همین «ملّایی» باشد، این ملّا بسیار ملّای خوبی است، بسیار آدم فهمیده‌ای است، کتاب و سنّت را بسیار خوب می‌فهمد، اما اگر چنانچه تقوا در کار نباشد، همین فهم کتاب و سنّت موجب اِعوجاج مردم می‌شود در سنّت، یک‌جور سنّت را بیان می‌کند که منحرف بکند! در کتاب، یک‌جور کتاب را بیان می‌کند که منحرف بکند. بسیاری از این آدمهایی که منحرف کردند و می‌کنند جوانهای ما را، از اینها هست که در قشر شما و در قشر ما بودند و متّقی نبودند؛ الهی نبودند؛ خدایی نبودند. فقط توجه به این بوده است که مقام چه باشد. توجه به این بوده است که حقوق چه‌قدر باشد. تربیت که کردند، تربیت یک اشخاصی را کردند از حیث دانشمندی. دانشمند، لکن دانشمند مضرّ؛ نه دانشمند مفید؛ نه مثل یک بازاری که اگر مفید هم نباشد، مضرّ نیست. یک فردی است که مضرّ است به جامعه.

فرقی مابین قشر شما و قشر ما در این مسئله نیست، ما هر دو طایفه باید تربیت کنیم قشر جامعه را.[۲۰۸]

*** نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح.**

****

جمهوری اسلامی حکومت ارزشهاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای این‌که کسی سلطهٔ حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومتهای روحانی‌ای که در دنیا می‌شناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است.

****

دستشان می‌رسد کاری انجام بدهند- از طلّاب تا فضلای جوان تا مدرّسان و مراجع عظام (اعلی‌الله کلمتهم) تا مسئولان کشور و مؤمنان و علما و دین‌باوران و مخلصان دانشگاهی که در سطح کشور هستند- هر کدام می‌توانند سهمی در این کار داشته باشند.[۲۰۵]

شرط اصلاح، حضور روحانیت و دانشگاه با هم

شما بخواهید مملکتتان را اصلاح کنید، منهای آخوند اصلاح‌بردار نیست. از آن طرف هم اگر آخوند بخواهد بگوید که منهای دانشگاه، منهای جبهه‌های سیاسی، آن هم صحیح نیست، برای این‌که آن هم کارشناس لازم دارد. شما کارشناس اسلامی هستید و قواعد اسلام را می‌دانید، لکن بعض مسائل سیاسی را شماها هم نمی‌توانید حلّش کنید؛ محتاج به اینها هستید. شما نمی‌خواهید که خودتان بروید حکومت بکنید، شما یک شغل دیگری دارید. شما حکومت لازم دارید؛ شما اجزای ادارات لازم دارید؛ ادارات شما، حکومت شما- عرض

پانوشتها:

۲۰۳ - مقام معظّم رهبری در دیدار با طلّاب و اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.
۲۰۴ - سخنرانی مقام معظّم رهبری در جمع فضلا و طلّاب و روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۰۱/۰۴.
۲۰۵ - سخنرانی مقام معظّم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلّاب و فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷.
۲۰۶ - صحیفهٔ امام، ج ۵، صص ۲۸۰ و ۲۸۱.
۲۰۷ - «هنگامی که دانشمندی فاسد می‌شود، جهان فاسد شود».
۲۰۸ - صحیفهٔ امام، ج ۷، صص ۴۷۱- ۴۷۲.

چرا آمریکا مستقیما در حمایت از صدام وارد جنگ شد ؟

روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

آمریکایی‌ها در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ نیز به سکوهای نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن و سبلان در خلیج فارس حمله کردند و هم زمان با آن، عراقی‌ها به فاو حمله کردند .[۱]

حمله عراق به فاو و بازپس‌گیری آن از ایران، با هماهنگی اطلاعاتی و عملیاتی عراق با آمریکا، صورت پذیرفت .[۲]

به دنبال آن، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷، آمریکا و عراق به‌طور مشترک به پایانه نفتی لارک در خلیج فارس، حمله کردند .[۳]

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، دولت آمریکا در سال ۶۶ و ۶۷ به‌طور مستقیم در کنار عراق، وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران شد .

ایالات متحده آمریکا در عرصه نظامی، نه تنها اطلاعات ماهواره‌ای درباره تحرکات نظامی ایران را در اختیار عراق قرار می‌داد، بلکه طبق نوشته روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۱۸ آگوست ۲۰۰۲، افسران پیشین سرویس اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا فاش ساخته‌اند که دقیقا زمانی که عراق به سبب استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران، در معرض محکومیت گسترده جهانی قرار گرفته بود، طرح‌های جنگی مفصلی را برای ارتش عراق تهیه می‌کردند .[۴]

*** مک فارلین پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران: ما به ظاهر اعلام بی‌طرفی کردیم اما این طور نبود. ما در خلیج فارس حاضر شدیم تا مطمئن باشیم که صدام شکست نمی‌خورد و چون لازم دیدیم که باید جلوی سقوط صدام را گرفت، خود وارد جنگ شدیم .**

حمیدرضا آصفی سخنگوی سابق وزارت امور خارجه، طی سخنانی در مورد همکاری نظامی مشترک آمریکا و عراق در جنگ تحمیلی گفت:

«در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۷۱، شبکه تلویزیونی ای.بی.سی آمریکا گزارش داد که تیم‌های ویژه ارتش آمریکا در جریان جنگ تحمیلی، مخفیانه در کنار نیروهای بعثی، در مقابل ایران جنگیدند.» [۵]

در تأیید مطلب فوق، دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران، می‌گوید:

«زمانی که آمریکایی‌ها متوجه شدند صدام دیگر قدرت مقابله با ایران را ندارد، خود وارد جنگ شدند. این مطلبی است که مک فارلین پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، در مقاله‌ای در روزنامه لس آنجلس تایمز به صراحت عنوان کرد و در آن تأکید داشت که: ما به ظاهر اعلام بی‌طرفی کردیم اما این طور نبود. ما در خلیج فارس حاضر شدیم تا مطمئن باشیم که صدام شکست نمی‌خورد و چون لازم دیدیم که باید جلوی سقوط صدام را گرفت، خود وارد جنگ شدیم.»[۶]

همه موارد فوق حاکی از آن است که دولت آمریکا دوشادوش صدام، علیه جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ شده بود و لذا از نظر حقوق بین الملل در کلیه جنایات وی شریک و سهیم است. در این رابطه فرانسیس آنتونی بویل حقوقدان آمریکایی، طی مقاله‌ای با استناد به قوانین حقوق بین الملل، کمک‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا به عراق در طی جنگ را به منزله شراکت آمریکا در تجاوز عراق علیه ایران می‌خواند. وی در این باره می‌نویسد:

«این عمل صراحتاا اقدام خصمانه غیربی‌طرفانه‌ای را شکل می‌داد که علیه ایران صورت گرفته بود و براساس حقوق بین الملل، در حکم اقدام جنگی تلقی می‌شود. تحت رژیم منشور ملل متحد نیز چنین پشتیبانی نظامی آشکار دولت ایالات متحده از عراق علیه ایران، به معنای آن است که آمریکا شریک تجاوز غیرقانونی دولت عراق علیه دولت ایران، تلقی می‌شود.»[۷]

توطئه کاهش قیمت نفت :

در کنار حربه‌ی تحریم تسلیحاتی، آمریکا برای رسیدن به هدف کاستن از قدرت ایران جهت دفاع از خویشتن، به حربه‌ی اعمال فشارهای اقتصادی نیز متوسل شد. به این خاطر از یک سو در صدد کاهش درآمد ایران از راه صادرات نفت ایران به کشورهای غربی و محدود کردن تجارت آنها با ایران ، و از سوی دیگر پایین آوردن قیمت نفت ، برآمد. به نوشته روزنامه «واشنگتن‌پست»، یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا گفته بود که بخشی از تلاش‌های آمریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق، سعی در بازداشتن شرکت‌ها از خرید نفت و تجارت با ایران بوده است تا درآمد ایران کاهش یابد.[۸]

آمریکا و فرانسه خرید نفت خام ایران را به کلی تحریم کردند و آلمان نیز واردات نفت ایران را کاهش داد. آمریکا به ژاپن نیز فشار وارد آورد تا او نیز چنین کند در نتیجه ژاپن نخست صنایع خود را از خرید نفت خام ایران در بازار آزاد منع کرد و سپس مقرراتی وضع کرد تا واردات نفت از ایران را تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

آمریکا همچنین عربستان و کویت را تشویق کرد. بیشتر از سهمیه تعیین شده اوپک نفت تولید کنند به‌طوری که قیمت‌ها از بشکه‌ای دوازده تا پانزده دلار بالاتر نرود، تا ایران ـ با توجه به تخفیف‌هایی که می‌دهد ـ مجبور شود نفت خود را بشکه‌ای هشت تا ده دلار بفروشد. این امر تضمین خواهد کرد که ایران (حتی اگر موفق به صدور نفت بشود) پول کافی برای تأمین مخارج جنگی خود را به دست نیاورد و در این حال کویت در روز ۱/۸ میلیون بشکه نفت عرضه می‌کند که تقریباً دو برابر سهمیه اوپک این کشور ـ ۹۹۶ هزار بشکه ـ است.[۹]

پس از تصمیم اجلاس ۷۶ اوپک مبنی بر دفاع از سهمیه اوپک در بازار حتی به قیمت کاهش بهای نفت، یک تاجر خریدار نفت، معامله‌ای با یکی از اعضای اوپک (سعودی) با شرایط غیرعادی به امضا رسانید و هم‌زمان قیمت نفت در بازار جهانی بیش از سه دلار تنزل پیدا کرد. تداوم این جریان با تزریق اضافی نفت به بازار اشباع شده، هر روز بیش از پیش جنگ قیمت‌ها را شعله‌ورتر نمود، به صورتی که قیمت نفت خام در فاصله کمتر از چند ماه در بازارهای بین‌المللی حتی زیر ده دلار در هر بشکه نیز معامله شد...

منابع در دفتر روزنامه موجود است

مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

تغییر برنامه دشمنان از حمله نظامی به اقدامات امنیتی، پنهان و نرم!

فصل دوم
دومین جلسه علنی دادگاه متهمین
فصل دوم جلسه دادگاه دوم

پس از تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید قاضی صلواتی مطالبی به شرح زیر ایراد فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم

با درود و سلام به پیشگاه نبی مکرم اسلام و ائمه اطهار و تبریک میلاد با سعادت منجی عالم بشریت صاحب عصر«عجل الله تعالی فرجه» و درود به روح پرفتوح امام راحل و شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی و با اهدای سلام و تحیت به پیشگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای«حفظه‌الله تعالی» به تاریخ ۱۷ مرداد ۸۸ شروع دومین جلسه محاکمه عناصر دخیل در آشوب‌های اخیر تهران را به صورت علنی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران اعلام می‌نمایم. لازم به یادآوری است که اعلام کنم دادگاه مقامی بی‌طرف بین کیفرخواست صادره از سوی دادستان و اظهارات و دفاعیات متهمین بوده و بر اساس قانون و انصاف و عدل حکم صادر خواهد نمود و به فرموده مقام معظم رهبری مافوق قاضی فقط خدا و قانون است و بر اساس اصل ۳۵ از فصل سوم قانون اساسی حقوق ملت در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد و بر اساس ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی کنند.

در جلسه امروز وکلای تعیینی متهمین که پرونده‌ها را مطالعه و با متهمین نیز ملاقات داشتند، حضور دارند. از طرفی لازم است به استحضار برسانم با توجه به اینکه برای هر یک از متهمین مذکور کیفرخواست انفرادی از سوی دادستانی تهران صادر گردیده و به لحاظ ارتباط افراد موثر در این فتنه و طراحی و سازمان یافتگی این جرائم ابتدا اجازه داده می‌شود مطالب عمومی مربوط به این جریان قرائت و دلایل و مدارک آن ارائه و سپس به ترتیب نوبت دادگاه در خصوص هر یک از متهمین کیفرخواست اختصاصی آنان با احصای نوع اتهامات در همین جلسه قرائت می‌گردد.

لذا از معاون محترم دادستان خواسته می‌شود قسمت دوم مقدمه عمومی کیفرخواست را قرائت نمایند. ضمنا به حضار محترم و متهمین حاضر در جلسه مفاد تبصره ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با الزام به رعایت نظم دادگاه تفهیم و ابلاغ می‌گردد.

از نماینده محترم دادستان خواسته می‌شود که قسمت دوم ادعانامه عمومی را قرائت فرمایند!

بسم الله الرحمن الرحیم
رب بما انعمت علی فلن اکون ظهیرا للمجرمین
ریاست محترم شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

همان‌گونه که استحضار دارید پس از حضور حداکثری مردم خدادوست و پرافتخار ایران اسلامی در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و لبیک به دعوت مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در تجدید میثاق مجدد با آرمان‌های امام راحل «رحمه الله علیه» در سی‌امین سال پیروزی انقلاب اسلامی که برگ زرینی در مردم سالاری دینی و رکوردی بی‌سابقه از حضور مردم در جهان به ثبت رسانید جریانی معاند با افتخارات نظام اسلامی در داخل و خارج از کشور درصدد ایجاد فتنه و سیاه‌نمایی این افتخار عظیم و اخلال در نظم و امنیت جامعه و تشویش اذهان عمومی برآمد و با بهره‌گیری از رسانه‌های مخالف و افراد فرصت‌طلب و ارتباط با بیگانگان و استفاده از همه ظرفیت گروه‌های ضدانقلاب که از سال‌ها قبل درصدد فرصتی برای ضربه زدن به امنیت میهن اسلامی ما بودند با طراحی توطئه و سناریوی فریب کارانه ادعای تقلب و جعل در انتخابات سعی در تبدیل نمودن یکی از بزرگترین افتخارات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران به چالش امنیتی و حربه تبلیغاتی براندازانه علیه نظام داشتند.

در جلسه گذشته در مقدمه اول ادعانامه دادستانی تهران دلایل طراحی قبلی این آشوب‌ها و مستندات اثبات جرم سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده اخیر به استحضار رسید. در این جلسه در دو بخش برنامه‌ریزی و طراحی کشورهای بیگانه و مخالف جمهوری اسلامی ایران به منظور فروپاشی و براندازی نرم در کشور و دخالت آنان در حوادث بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری و اقدامات گروهک‌های ضدانقلاب و تروریستی و نقش آنها در حوادث پس از انتخابات و آشوب‌های اخیر به استحضار می‌رساند:

الف) برنامه‌ریزی و طراحی کشورهای بیگانه و مخالف جمهوری اسلامی ایران به منظور فروپاشی و براندازی نرم در کشور و نقش آنان در حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری.

پیروزی انقلاب اسلامی و به خطر افتادن منافع استعماری بیگانگان در داخل کشور و منطقه استراتژیک خلیج‌فارس منجر به افزایش خصومت و دشمنی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران گردیده بر همین اسای و در دوره‌های مختلف اجرای طرح‌های متعدد سیاسی و اطلاعاتی جهت مقابله با نظام، در دستور کار آنها قرار گرفته است.

از سوی دیگر، گرفتاری غرب به سرکردگی آمریکا در باتلاق عراق و افغانستان و شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، احتمال و امکان به کارگیری گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را به حداقل کاهش داده بر همین اساس ایجاد تغییرات ساختاری در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای نوین اطلاعاتی و اقدامات پنهان و نرم در دستور کار غرب قرار گرفته است. در همین راستا، فضای مجازی، رسانه شبکه‌های ماهواره‌ای و... به عنوان ابزاری کارآمد و نوین جهت تغییر افکار، مورد بهره‌برداری بیگانگان قرار گرفته بر اساس ادبیات جاسوسی غرب، تغییر افکار، زیربنای تغییر رفتار و نهایتا تغییر ساختار کشور را در پی خواهد داشت. در همین راستا، سیاست‌های جدید غرب به ویژه آمریکا و انگلیس جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران بر سه اصل:

۱- دموکراسی‌سازی (دموکراسی متناسب با اهداف و منافع غرب).
۲- مشغول‌سازی نظام در داخل با ایجاد ناامنی‌های داخلی و تشدید اختلاف‌ها.
۳- مهار اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران،

استوار گردیده که جهت تحقق این اهداف استفاده از رسانه، دیپلماسی، عمومی، ایجاد سازمان‌های مردم نهاد و شبکه ارتباطی و سامان‌دهی مخالفان با هدف نافرمانی مدنی و راه‌اندازی پروژه مبارزه عاری از خشونت از مهمترین نقش و کارکرد برخوردار بوده بودجه‌های کلان و ابزار نوین ارتباطی نیز بدان تخصیص یافته است. از سوی دیگر سازمان‌های جاسوسی غرب نسبت به بهره‌برداری از تمامی فرصت‌ها و امکانات داخلی معارض و اپوزیسیون که به عنوان بازوهای اجرایی و عملیاتی آنها محسوب می‌گردند، غفلت ننموده است و گروه‌های مذکور از قبیل گروه غیرقانونی نهضت آزادی جهت جریان‌سازی، ایجاد ناامنی و به چالش کشاندن نظام و در قالب پیاده نظام و ستون پنجم دشمنان به ایفای نقش می‌پردازند.

در همین راستا، گروهک منافقین، تندر و جریانات تجزیه‌طلب و قوم‌گرا با هدایت وحمایت بیگانگان و در قالب بمب‌گذاری، ترور، ایجاد اختلافات سیاسی و قومیتی و بحران‌سازی، مبادرت به اجرای برنامه‌های ضدامنیتی در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری نمودند که تلاش جهت ترور یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری و انتساب آن به نظام در راستای ایراد اتهام علیه مسئولین نظام، گسترش اختلافات و ایجاد ابهام و توهم در لایه‌های مختلف اجتماعی یکی از نمونه‌های اهداف و اقدامات آنها محسوب می‌گردد.

راهکارهای فروپاشی جمهوری اسلامی ایران:

دشمنان نظام (مقدس جمهوری اسلامی ایران) جهت پیشبرد سیاست‌های مذکور، محورهایی را به عنوان راهکارهای فروپاشی جمهوری اسلامی ایران طراحی، ترسیم و جهت اجرا در اختیار دستگاه‌های اطلاعاتی و موسسات وابسته قرار داده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- تبلیغ و ترویج ضرورت تغییر سیاسی نظام.
۲- حمایت‌های بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری، اصناف، گروه‌های به اصطلاح مدافع حقوق بشر و تشکل‌های مدنی مخالف جمهوری اسلامی ایران.
۳- اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران.
۴- تقویت مالی نیروهای مخالف داخل نظام به صورت پنهان.
۵- شناسایی، جذب و توانمندسازی مراکز و افراد و اقشار موثر در جامعه مانند زنان، جوانان، NGOها و.. در جهت نیل به اهداف معین.

با توجه به جدول ترسیمی در تقویم کشور جهت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸، برنامه اجرایی اهداف فوق توسط بیگانگان با فرصت‌طلبی از آزادی‌های موجود در راستای براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران و در قالب پروژه دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy) و اقدامات پنهان (Covert Action) به مرحله اجرا درآمده است.

براندازی نرم و اقدامات پنهان

براندازی نرم که با ظاهری آراسته و برای عادی‌سازی نزد افکار عمومی از آن با عنوان دیپلماسی عمومی یاد نمودند، دارای مفاهیم و ویژگی‌های ذیل می‌باشد:

از منظر یکی از دستگاه‌های اطلاعاتی غرب

«دیپلماسی عمومی به دنبال این هدف است که منافع و امنیت ملی ما را از طریق درک، گاهی و تاثیر بر مردم کشورهای دیگر حفظ کرده و از گفت‌وگو بین شهروندان ما و موسسات و همتایان آنها در خارج نیز بهره ببرد.» براندازی نرم از دیدگاه غرب همانا تحمیل ارزش‌ها و چهارچوب‌های فکری حاکم بر جوامع غربی به دیگر جوامع است تا از این طریق و به صورت خودکار سیستم آن کشور هدف متاثر و همراه با سیاست‌های نظام سلطه گردد. هدف دیپلماسی عمومی غرب «ملت‌ها» و مسیر و غایت نهایی آن تاثیرگذاری با هدف تسهیل در سیاست‌های معطوف به اقدامات پنهان و براندازانه است بنابراین اقدامات پنهان در چارچوب دیپلماسی عمومی، مستلزم به کار بستن پیچیده‌ترین شیوه‌های عملیاتی روانی تهاجمی می‌باشد.

مهم‌ترین اهداف این پروژه از دیدگاه نظریه‌پردازان عبارتند از:

۱- وادار نمودن دولت به جهت‌گیری‌های مورد نظر آنان از طریق فشارهای مردمی.
۲- ایجاد فضای عدم اعتماد نسبت به مسئولان نظام و اختلال در فرایند تصمیم‌گیری.
۳- انحراف افکار عمومی جامعه از منافع و اصول نظام و ترویج شیوه‌های مورد نظر در جامعه از طریق تشکیک در ارزش‌های نظام.
۴- ایجاد اختلاف در گرایش‌های مختلف جامعه و تفرقه و جدایی میان مردم و حاکمیت از طریق متهم کردن سران نظام و نسبت کذب دادن به مسئولان.
۵- انشقاق در گروه‌های فکری، قومی، مذهبی و... با هدف اختلال در وحدت ملی.

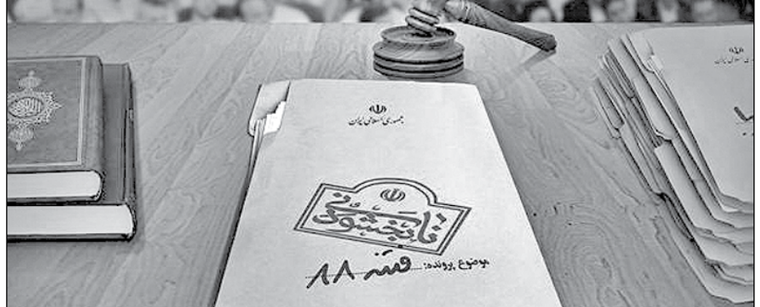

*** گرفتاری غرب به سرکردگی آمریکا در باتلاق عراق و افغانستان و شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، احتمال و امکان به کارگیری گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را به حداقل کاهش داده بر همین اساس ایجاد تغییرات ساختاری در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با رویکردهای نوین اطلاعاتی و اقدامات پنهان و نرم در دستور کار غرب قرار گرفته است. در همین راستا، فضای مجازی، رسانه شبکه‌های ماهواره‌ای و... به عنوان ابزاری کارآمد و نوین جهت تغییر افکار، مورد بهره‌برداری بیگانگان قرار گرفته**

****

در تبیین اهمیت این بخش از اقدامات پنهان، یکی از وزرای خارجه کشورهای غربی اظهار می‌دارد: «در زمان حاضر، تلاش‌های ما در زمینه دیپلماسی عمومی در مقایسه با دیگر اقدامات بسیار مهم‌تر است به نحوی که این تلاش‌ها جزء لاینفک سیاست خارجی ما در برابر دولت‌های مخالف می‌باشد.»

استراتژی امنیت ملی غرب پس از فروپاشی شوروی سابق که برای انطباق با شرایط متحول بین‌المللی طراحی و بازسازی گردید، وظایفی را برای دستگاه‌های مختلف امنیتی آن کشورها در راستای اجرای موثر این استراتژی تعیین و مشخص کرده و در همین راستا گزارشات راهبردی - امنیتی را تدوین نموده است.

نکته قابل توجه در دستورالعمل‌های گزارشات مذکور، جهت‌گیری‌های اقدامات آنها در راستای اقدامات پنهان بوده و یا منتفی دانستن جنگ نظامی، «جنگ نرم» و «فروپاشی از درون» را در برابر جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌کنند.

راهکارهای تدوین شده در تقابل با ایران گویای استراتژی غرب علیه جمهوری اسلامی و در چارچوب دیپلماسی عمومی بوده و اهمیت راهکارهای کاربردی آن به اندازه‌ای است که این گزارشات را می‌توان «مانیفست اقدامات پنهان» غرب علیه جمهوری اسلامی قلمداد کرد.

یکی از مقامات ارشد امنیتی غرب در بیان اهمیت به کارگیری استراتژی‌های معطوف به دیپلماسی عمومی در برابر ایران، اظهار می‌دارد: «ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در خاورمیانه و هارتلند [قلب و مرکز منطقه Heart Land] منطقه، به قدرتی بی‌بدیل تبدیل شده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی آن را سرنگون کرد.»

محورهای مهم گزارشاتی که بر ضرورت به کارگیری تاکتیک‌های دیپلماسی عمومی تاکید دارند، گویای برنامه